

## نقش کیفیت کنترل داخلی در افزایش کارایی سرمایه‌گذاری

محسن ملکی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول).  
mohsenmlk@gmail.com

سیده المیرا صفوی هیر

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.  
elmira\_safavi@yahoo.com

پیمان نظیری

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.  
p.naziri@yahoo.com

شماره ۳۳ زمستان ۱۳۹۹ (جلد اول) / صص ۶۲-۷۳  
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره سوم)

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش کیفیت کنترل داخلی در افزایش کارایی سرمایه‌گذاری و جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. سرمایه‌گذاری در حقیقت جریانی است که حجم آن از طریق همه طرح‌هایی تعیین می‌شود که ارزش خالص مثبت یا نرخ بازده داخلی بیشتر از نرخ بهره دارند. کنترل‌های داخلی با توجه به راهبرد واحد تجاری، کاربردهای گوناگونی دارد. هرگاه اندازه سازمان گسترش یابد، فرآیندهای کنترلی آن نیز تخصصی‌تر و پیچیده‌تر می‌شوند. پس از حذف محدودیت‌ها ۷۷ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند. محدوده زمانی پژوهش حاضر بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ است. برای بررسی فرضیه از روش رگرسیون پانلی و از نرم‌افزار ایویوز استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت کنترل داخلی بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر معناداری دارد.

**کلید واژگان:** کنترل داخلی، کیفیت کنترل داخلی، سرمایه‌گذاری، کارایی سرمایه‌گذاری.

### مقدمه

با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران و ذینفعان دیگر ایجاد می‌شود و به طور بالقوه این امکان به وجود می‌آید که مدیران اقداماتی انجام دهند که در جهت منافع خودشان بوده و ضرورتاً در جهت منافع سهامداران و ذینفعان دیگر نباشد. در این مسأله، تضاد بین به حداکثر رساندن منافع کارگزاران و کارگزاران، مفروض است. حل مشکل نمایندگی تا حدودی اطمینان خاطر سهامداران را فراهم می‌کند که مدیران در تلاشند تا ثروت آنان را به حداکثر برسانند. اعمال نظارت و مراقبت در این زمینه مستلزم وجود ساز و کارهای مناسبی است. از جمله این سازوکارها، طراحی و اجرای نظام کنترل داخلی مناسبی در شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است (سجادی و همکاران، ۱۳۸۸). وجود کنترل‌های داخلی قوی در ساختارهای مالی و اداری شرکت‌ها می‌تواند بصورت سیستماتیک رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت و در نتیجه انحرافات ناشی از تضاد منافع و خطیر اخلاقی را کاهش دهد و همزمان با بهبود کیفیت گزارشگری مالی بر شیوه مدیریت بنگاه و چگونگی استفاده از منابع و سرمایه‌گذاری این منابع اثر مثبت بگذارد (رضوی عراقی و همکاران، ۱۳۹۷).